

Re-reading the Structural Coherence of Surah Yusuf in the Light of the Theory of Symmetrical Order Emphasizing the View of Javad Anwar Qureshi

Hamidreza Fazeli^a, Bemanali Dehghan Mangabadi^{b*}, Ahmad Zare Zardini^c, Muhammad Ali Haydari Mazraeh Akhund^d

^a PhD Student in Comparative Exegesis, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd Iran

^b Associate Professor, Department of Qur’an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran

^c Associate Professor, Department of Qur’an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Meybod University, Meybod, Iran

^d Assistant professor, Department of Qur’an and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran

KEYWORDS

Holy Qur’an,
Anwar Qureshi,
Surah Yusuf,
Chain composition,
Palindrome

Received: 8 October 2022;
Accepted: 20 November 2022

Article type: Research Paper

ABSTRACT

Most Western thinkers believe that the content of the Qur’an is discrete, but some thinkers have not accepted this consensus and have tried to prove the structural coherence of the Qur’anic text. For example, drawing on the theory of symmetrical order, Javad Anwar Qureshi, a contemporary Qur’anic scholar, analyzes the rhetoric of Surah Yusuf. The present article examines the approach proposed by him by adopting the descriptive-analytical method. The idea of symmetrical order shows that the text of the Qur’an is coherent and each ayah is in its right place. This article first introduces the concept of symmetrical order and then describes the complete order of Surah Yusuf from Javad Anwar Qureshi's point of view. Anwar Qureshi divides Surah Yusuf into twenty one parts and establishes a relationship between the parts of the surah in an inverse way and presents a general and inclusive model of the relationship between the parts of the surah. He believes that the dream of the king of Egypt as the eleventh part is at the center of the structure of Surah Yusuf and the last ten sections of Surah Yusuf are a re-emergence of the first ten sections. The criticisms of his work include not mentioning the principles of division and confusion in the division of ayahs. One of the results of this research is the proof of the regular structure of Surah Yusuf based on the theory of symmetrical order.

* Corresponding author.

The article is taken from the doctoral dissertation of a respected student.

E-mail address: badehghan@yazduni.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بازخوانی انسجام ساختاری سوره یوسف در پرتو نظریه نظم متقارن (با تاکید بر دیدگاه جواد انور قریشی)

حمیدرضا فاضلی^{الف}، بمانعلی دهقان منگابادی^{ب*}، احمد زارع زردینی^ج، محمدعلی حیدری مزرعه آخوند^د

^{الف} دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث گرایش تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

^ب دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

^ج دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران

^د استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن کریم، انور قریشی، سوره یوسف، ترکیب حلقه، صنعت قلب	اغلب اندیشمندان غربی قائل بر گسسته بودن محتوای قرآن هستند اما برخی از اندیشمندان این اجماع را نپذیرفته و تلاش نموده تا انسجام ساختاری متن قرآن را اثبات نمایند. مقاله حاضر با درپیش گرفتن روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی رویکرد «جواد انور قریشی»، قرآن پژوه معاصر خواهد پرداخت. وی با تکیه بر نظریه نظم متقارن به تحلیل بلاغی سوره یوسف می پردازد. اندیشه نظم متقارن نشان خواهد داد که متن قرآن منسجم است و هر آیه، در جای درست خود قرار گرفته است. این مقاله، نخست به معرفی مفهوم نظم متقارن پرداخته و پس از آن نظم کامل سوره یوسف را از دیدگاه جواد انور قریشی بیان کرده و به نقد و بررسی آن می پردازد. انور قریشی سوره یوسف را به بیست و یک بخش تقسیم می نماید و به صورت معکوس میان بخش‌های سوره ارتباط برقرار کرده و یک مدل کلی و فراگیر را از ارتباط بخش‌های سوره ارائه می کند. وی معتقد است که خواب پادشاه مصر به عنوان یازدهیم بخش، در مرکز ساختار سوره یوسف قرار می گیرد و ده بخش انتهایی سوره یوسف بازظهوری از ده بخش ابتدایی سوره می باشد. از جمله نقدهایی که بر کار وی وارد است؛ می توان به عدم ذکر مبانی تقسیم بندی و پریشانگی در تقسیم بندی آیات اشاره کرد. از نتایج این پژوهش اثبات ساختار منظم سوره یوسف در قالب نظریه «نظم متقارن» می باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب مقدس متنی به غایت ادبی است و از منظر قرآن پژوهان، بالاترین وجه اعجاز قرآن، اعجاز در نظم این کتاب الهی و اعجاز بیاننی است. بحث پیرامون نظم و پیوستگی آیات قرآن که یکی از مسائل مهم در شناخت قرآن کریم است؛ از دیرباز در میان مسلمانان بوده که موافقان و مخالفانی داشته است و کتب فراوانی را در مورد «نظم القرآن» و «اعجاز القرآن» و «تناسب الآیات و السور» نگاشته شده است.

اغلب اندیشمندان غربی معتقدند که آیات قرآن پراکنده، گسسته و فاقد انسجام ساختاری و موضوعی است. آنان قرآن را مخصوصاً در سوره طولانی مدنی، پاره متن‌های به هم ریخته می دانند که هیچ ارتباطی میان موضوعات

* نویسنده مسئول

مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشجو محترم است.

آدرس پست الکترونیک: badehghan@yazduni.ac.ir

گونگون عرضه شده در درون یک سوره ندارد. (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ۸) برخی از مسلمانان نیز تحریف بشری را عامل گسستگی متن و مبهم بودن آن دانسته اند و بیان داشته اند که «احتمالاً متصدیان جمع قرآن، ربط میان موضوعات قرآنی را به هم زده اند» (خوش منش، ۱۳۸۹، ۳۶-۳۳).

در پاسخ به این اشکال، برخی پذیرفته‌اند که قرآن پراکنده گویی کرده است و اینگونه توجیه کرده‌اند که این نوع بیان دال بر اعجاز قرآن است و یا آن را مانع خستگی و دلزدگی از کلام الهی دانسته‌اند و یا بیان داشته‌اند که وحدت ادبی سوره‌ها، نقص ناهماهنگی آیات قرآن را جبران می‌کند (خامه گر، ۱۳۸۱، ۶۶).

در این میان برخی از مسلمانان و خاورشناسان با استفاده از شواهد لفظی و معنوی، پیوستگی و نظم سور قرآن کریم را اثبات نموده‌اند. به عقیده آنان واحدهای متنی بر خلاف ظاهر اولیه‌شان ساختاری مستحکم و منسجم دارند که با نگاه اول قابل فهم نیست بلکه با تاملی مبتنی بر نظریه «نظم متقارن» و «بلاغت سامی» قابل درک است.

جواد انور قریشی استادیار کالج زیتونیا در ایالات متحده از جمله از این محققان معتقد به نظم و انسجام قرآن است. وی مدعی است که با بهره گرفتن از مطالعات مشابه در حوزه کتاب مقدس که مبتنی بر نظریه نظم متقارن می‌باشد؛ توانسته است نظم و انسجام آیات سوره یوسف را تبیین کند.

۲. پیشینه پژوهش

دهه‌های اخیر، شاهد رشد چشمگیر دانش غربی در مورد انسجام موضوعی و وحدت ساختاری سوره‌های قرآنی بوده است. به عنوان مثال میشل کوپپرس^۱ (۲۰۰۹) ارزش استفاده از روش‌های لفظی حاصل از مطالعات کتاب مقدس را برای تقارن، همبستگی، و ترکیبات حلقه‌ای سوره‌های قرآن را نشان می‌دهد. وی برای نخستین بار، روش تحلیل بلاغی را در متن قرآن به کار بسته است. او از مبسوط‌ترین اثر خود در این حوزه به نام «The Banquest A reading of the Fifth Sura of Quran» (ضیافت؛ خوانشی از پنجمین سوره قرآن) به اثبات نظم و انسجام سوره مائده می‌پردازد (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ۱۲-۱۴). اخیراً، ریموند فارین^۲ (۲۰۱۴) گفته که شعر عربی بر تقارن متمرکز است و تقارن در قرآن نیز مشهود است. از طرف دیگر، چنین مطالعاتی به دلیل نادیده گرفتن متن عینی در کشف ترکیب حلقه مورد انتقاد برخی همچون نیکلای سینای^۳ (۲۰۱۷) قرار گرفته است.^۴ اخیراً نیز مقاله ای در مجله

^۱ میشل کوپپرس (Michel Cuypers) (متولد ۱۹۴۱) قرآن پژوه بلژیکی و از پژوهشگران IDEO، انجمن مطالعات شرقی پدران دومینیک، در قاهره است. وی نزدیک به دوازده سال در ایران زندگی کرده است و دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دارد. حوزه پژوهشی وی نظم بلاغی متن قرآن است. حاصل تلاش وی در نزدیک به دو دهه اخیر چاپ چند مقاله و کتاب در این حوزه از مطالعات قرآنی بوده است. کتاب وی به نام «Banquet. A Reading of the fifth Sura of the Quran» (The Sura of the Quran) که به تحلیل بلاغی سوره مائده اختصاص دارد در شانزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه کتاب سال را دریافت کرد. (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴: ص ۱۰)

^۲ ریموند فارین (Raymond Farrin) اهل آمریکا می‌باشد. وی فارغ التحصیل از کالج هنر، دانشگاه پنسیلوانیا در ایالات متحده است. وی مدتی در قاهره زندگی کرد و زبان عربی آموخت، سپس تحصیلات خود را در دانشگاه کالیفرنیا در دانشگاه برکلی ادامه داد و در آنجا در زمینه شعر باستانی عربی تخصص یافت. او در سال ۲۰۰۶ دکترای خود را از همان دانشگاه در زمینه مطالعات خاور نزدیک دریافت کرد. وی هم اکنون استاد دانشکده ادبیات دانشگاه آمریکایی الکویت می‌باشد.

^۳ نیکولای سینای (Nicolai Sinai) اهل انگلستان و استاد مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد می‌باشد. حوزه‌های پژوهشی وی جنبه‌های ادبی قرآن، تفسیر، فلسفه، کلام و عرفان اسلامی می‌باشد. وی دارای بیش از چهل مقاله و کتاب است که از جمله آنان می‌توان به (کتاب مقدس اسلام: مهمترین حقایق درباره اسلام) اشاره نمود. این کتاب به زبان آلمانی و با این مشخصات چاپ شده است:

Die Heilige Schrift des Islams: Die wichtigsten Fakten zum Koran, Freiburg: Herder, 2012

پژوهش‌های قرآنی-ادبی با موضوع «بلاغت سامی و قواعد نظم متقارن و نقد و بررسی آن در سوره صف» به چاپ رسیده است که دیدگاه میشل کوپپرس را را چالش می‌کشد (امیدوار، ۱۴۰۰، ۲۶-۶۳).

بسیاری از محققانی که درباره وحدت موضوعی و ساختار واحد سوره‌ها بحث می‌کنند به سوره یوسف جذب شده‌اند. سوره یوسف بزرگترین وحدت روایی را نشان می‌دهد که ۱۱۱ آیه دارد. مستنصر میر^۵ دو مقاله (۲۰۰۰ و ۱۹۸۶) در زمینه‌های ادبی سوره دوازدهم نوشته که به ساختار حلقه داستان اشاره می‌کند. آنجلیکا نوویرث^۶ (۱۹۸۰) تجزیه و تحلیل دقیق از سوره یوسف ارائه می‌دهد. یاکو همین-آنتیلا^۷ (۱۹۹۱) شرح جامعی (thick description) از لغات سوره ارائه می‌دهد و توجه را به ساختار متقارن سوره یوسف جذب می‌کند، اما چیزی از نظم متقارن سوره نمی‌گوید. نیل رابینسون^۸ ساختار سوره یوسف را آزاد (loosely chiasmatic) توصیف می‌کند و طرح کلی مفیدی از سوره ارائه می‌دهد اما بیش از این آن را بررسی نمی‌کند (رابینسون، کشف قرآن، ۲۰۰۳، ۱۴۳). میشل کوپپرس (۱۹۹۵) مقاله‌ای را به ساختار حلقه سوره یوسف اختصاص داده که یک ساختار متقارن شبیه ساختار آزاد رابینسون نشان می‌دهد. هیچکدام از پژوهشگران مذکور ساختاری مستحکم همچون ساختار جواد انور قریشی مطرح نمی‌کنند لذا پس از بررسی چستی «نظم متقارن»، به معرفی و نقد مستحکم‌ترین ساختار موجود پیرامون نظم متقارن سوره یوسف می‌پردازیم.

۳. مفهوم شناسی نظریه نظم متقارن

هر چند نظریه نظم متقارن ریشه در مطالعات کتاب مقدس دارد و خاستگاه آن به حدود دویست و پنجاه سال قبل باز می‌گردد اما کاربردی آن در پژوهش‌های ادبی-قرآنی به بیش از سه دهه نمی‌رسد. این نظریه که به آن «تحلیل

^۴ مستشرقان در پرداختن به متن قرآن کریم دو دسته هستند برخی مانند نیکولای سینای بررسی روش‌های تاریخی را بیشتر می‌پسندند ولی برخی همچون جواد انور قریشی، میشل کوپپرس، ریموند فرین و نیل رابینسون بر تحلیل متن و روش‌های تقارن تمرکز بیشتری دارند و نقد نیکولای سینای اساساً یک نقد از جبهه مخالف است.

^۵ مستنصر میر (Mustansir Mir) متولد ۱۹۴۹ و اهل پاکستان می‌باشد. وی به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۹ لیسانس و فوق لیسانس خود را از دانشگاه پنجاب لاهور دریافت کرد. سپس در رشته مطالعات اسلامی دانشگاه میشیگان در سطح کارشناسی ارشد ادامه تحصیل داد و در سال ۱۹۸۳ با نگارش رساله «انسجام در قرآن» از این دانشگاه مدرک دکتری گرفت کرد. وی هم‌اکنون در دانشگاه ایالتی یانگستون در اوپاهو، رشته مطالعات اسلامی را تدریس می‌کند. (میر، ۱۳۸۸: ص ۱۶۱) وی ده‌ها مقاله قرآنی را تالیف کرده است که اکثر آن را ابوالفضل حری ترجمه نموده است.

^۶ آنجلیکا نوویرث (Angelika Neuwirth) (متولد ۱۹۴۳) استاد مطالعات قرآنی از دانشگاه فرای (Freie)، برلین، آلمان است. او مطالعات اسلامی، مطالعات سامی و فلسفه کلاسیک را در دانشگاه‌های برلین، تهران، گوتینگن، اورشلیم و مونیخ تحصیل کرد. وی بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ مدیر موسسه شرق شناسی آلمان در بیروت و استانبول بود. وی در حال حاضر به عنوان استاد در دانشگاه فرای (Freie) برلین و همچنین به عنوان استاد میهمان در دانشگاه اردن می‌باشد. تحقیقات وی بر قرآن، تفاسیر آن و ادبیات مدرن عربی در شرق مدیترانه به ویژه شعر فلسطینی و نثر مربوط به درگیری اعراب و اسرائیل می‌باشد. ایشان به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و عبری مسلط هستند و موفق شدند در سال ۱۹۷۲ دکتری و در سال ۱۹۷۷ پسا دکتری خود را دریافت کنند.

^۷ یاکو همین-آنتیلا (Jaakko Hämeen-Anttila) اهل فنلاند و متولد ۱۹۶۳ است. وی استاد زبان عربی و مطالعات اسلام دانشگاه ادنبرگ انگلستان می‌باشد و بیش از بیست مقاله تالیف کرده که از آن میان می‌توان به مقاله مسیحیان و مسیحیت در قرآن (Christians And Christianity In The Qur'ān) و مقاله کسروی و ترجمه‌های عربی خدای نام (Al-Kisrawi and Arabik transations of the Khwadaynamag) اشاره نمود. مقاله اخیر را کلثوم غضنفری و محمد حیدرزاده ترجمه نموده‌اند. (آنتیلا، کسروی و ترجمه‌های عربی خدای نام، ۱۳۹۸: ص ۵۳)

^۸ نیل رابینسون (Neal Robinson) (متولد ۱۹۴۸) در حال حاضر استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ولز است. وی مؤلف چهار کتاب و بیش از بیست مقاله است و در تألیف دایرة المعارف‌های «روتلدج» و «قرآن» نیز همکاری داشته است. بیشترین شهرت وی به خاطر کتاب «کشف قرآن: رویکردی معاصر به متن مستور» است. (رابینسون، دستان باز، ۱۳۹۱: ص ۱۶۱)

بلاغی» نیز گفته می‌شود، تبیین نظم متون را عهده دارد. تحلیل بلاغی با تشخیص ارتباط موجود میان عناصر تشکیل دهنده متن، علاوه بر اثبات انسجام و پیوستگی سخن، به دنبال تعیین اشکال گوناگون تقارن می‌باشد. در واقع این تقارن‌ها هستند که ساختمان متن را تشکیل می‌دهند. نظم متقارن در سه نوع تقارن یا سه شکل تألیف پدید می‌آید:

۱. توازی یا ساختار متوازی^۹؛ وقتی که واحدهای یک متن به همان ترتیب اولیه بازظهور یابند (C'B'A/ABC)
 ۲. ترکیب دایره‌ای یا حلقوی^{۱۰}؛ وقتی که قسمت‌های یک متن به صورت دایره‌ای متحدالمرکز مرتب می‌گردند (A'B'C/x/ABC)

۳. نظم آینه‌ای (معکوس)؛ وقتی که عنصر مرکزی وجود ندارد (C'B'A/ABC) (Cuypers, ۲۰۲۱۰, 35)؛
 مینت، طريقة التحليل البلاغی و التفسیر، ۲۰۰۴، ۲۰).

نمونه قرآنی شکل متوازی در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» مطرح گردیده است. واژگان تبعیت، خطوات و شیطان به صورت ساختاری متوازی و پشت سر هم به همان ترتیب نخست، تکرار گردیده است. همچنین نمونه قرآنی ترکیب دایره‌ای را در آیات «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ* لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيَّرَ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» می‌توان یافت. در این مثال مفاصل طرفینی، دو جمله خبری هستند که در میان آنان، یک جمله پرسشی آمده است. نمونه قرآنی شکل آینه‌ای در آیه «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» مطرح گردیده است. واژگان منافقون، نشهد، رسول و الله به صورت معکوس باز ظهور یافته‌اند. نمونه دیگر از نظم معکوس آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» می‌باشد که واژه «الرَّسُولُ» با واژه «رِسَالَتَهُ»؛ واژه «بَلِّغْ» با واژه «فَمَا بَلَّغْتَ» و عبارت «مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» با عبارت «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ» تقارن دارند که نمونه‌ای دیگر از ساختار آینه‌ای (معکوس) در قرآن کریم می‌باشد.

۴. دیدگاه جواد انور قریشی در انسجام ساختاری سوره یوسف

جواد انور قریشی (متولد ۱۹۷۷) استادیار کالج زیتونا است. وی دوره‌های تحصیلات تکمیلی الهیات، کلام و روش تحقیق را تدریس می‌کند. او همچنین به عنوان مدیر اداری برای برنامه MA در متون اسلامی خدمت می‌کند. وی در سال ۲۰۱۹ دکتری خود را در مدرسه الهیات دانشگاه شیکاگو در رشته مطالعات اسلامی به پایان رساند. زمینه‌های تحقیق وی در اندیشه کلاسیک اسلامی، از جمله قرآن پژوهی، ادبیات صوفیه، کلام و بدعت شناسی و منطق است. ایشان در خصوص نظریه نظم متقارن تحقیقات گسترده‌ای نموده‌اند و برنده اولین جایزه سالانه اندرو ریپین (Andrew Ripin) با انجمن بین المللی مطالعات قرآنی شده‌اند.

از دیدگاه جواد انور قریشی سوره یوسف دارای یک ترکیب حلقه متحدالمرکز است. (ABC/x/C'B'A) و بخش‌های این ترکیب منعکس کننده تقارن (ABC/A'B'C') و همچنین انعکاس (ABC/C'B'A) هستند. ساختار کلی سوره یوسف براساس الگوی (ABC/D /C'B'A') شکل گرفته و به شرح زیر است:

⁹ construction parallel or, parallelism

¹⁰ composition ring or concentric

A. 1-3 مقدمه

B. 4-6 رویای یوسف

C. 7-18 روایت خانوادگی یعقوب؛ یوسف از یعقوب جدا شد.

D. 19-57 یوسف در مصر

C'. 58-98 روایت خانوادگی یعقوب؛ یوسف دوباره به یعقوب پیوست.

B'. 99-101 تحقق رویای یوسف

A'. 102-111 نتیجه‌گیری

شکل ۱

در قسمت A سه آیه آغازین وجود دارد که شامل حروف مقطعه (الف، لام و راء) می باشد و به دنبال آن صحبت محمد(ص) که به او گفت بهترین داستان ها را به او می آموزد که قبلاً هیچ اطلاعی از آن نداشت. در قسمت B (آیات ۴-۶) اولین قسمت روایت را نشان می دهد که یوسف رویای خود را برای پدرش یعقوب بازگو می کند: «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ». از آنجا، حرکات اصلی روایت را می توان به صورت زیر طرح ریزی کرد: در قسمت C (آیات ۷-۱۸) به روایت خانوادگی می پردازد که برادران یوسف قصد کشتن او را داشتند؛ اگرچه موافقت می کنند که او را در یک چاه انداخته و به مرگ او تظاهر کنند و پدر خود را فریب دهند. در قسمت D (آیات 19-57) به حلقه مرکزی می رسیم؛ طولانی ترین قسمت روایت، داستان یوسف در مصر است. در قسمت C' (آیات 58-98) به روایت خانوادگی بین یوسف و برادرانش برمی گردد. اما این بار یوسف آن ها را فریب می دهد و برنامه ای برای پیوستن به برادرش بنیامین و پدرش یعقوب می ریزد.^{۱۱} در قسمت B' (آیات 99-101) انتهای داستان را بازگو می کند و همانطور که آغاز شد پایان می یابد و رویای یوسف اکنون با تعظیم پدر، مادر و یازده برادرش برآورده می شود. سپس در قسمت A'، سوره با استناد به محمد(ص) که او پیروز می شود و به کسانی که موعظه او را انکار می کنند، هشدار می دهد، به پایان می رسد. این ساختار کلی حلقه ای سوره دوازدهم است که با خطاب به محمد(ص) آغاز و با خطاب به ایشان پایان می یابد و با روایت خانوادگی بین یعقوب و فرزندانش، یوسف و برادرانش و همچنین فعالیت های یوسف در مصر که مرکز روایت است، پرداخته است (Anwar Qureshi, 2017, 167).

وقتی به مرکز سوره دوازدهم، [D] (یوسف در مصر) نگاه می کنیم، متوجه می شویم که این قسمت از روایت نیز دارای نظم متقارن است که می توان به صورت زیر مشخص کرد:

^{۱۱} به خاطر تسهیل خواندن، از اسامی مناسب قرآنی استفاده می شود: «پوتیفار» به جای «العزیز»، «زلیخا» به جای «امراة العزیز»، و «بنیامین» به جای برادر یوسف استفاده خواهیم کرد.

- 1.D. 19-21. یوسف در مصر برده است.
- 2.D. 22-35. یوسف وسوسه شده و زندانی می‌گردد.
- 3.D. 36-49. یوسف خواب‌ها را تعبیر می‌کند.
- 2'.D. 50-51. یوسف تبرئه و آزاد می‌شود.
- 1'.D. 54-57. یوسف نگهبان خزائن می‌شود.

شکل ۲

مطابق تصویر فوق داستان یوسف در مصر سه حرکت اصلی دارد. [1.D] پس از آنکه یوسف توسط برادرانش به چاه انداخته شد، توسط کاروانی که در حال عبور است؛ پیدا می‌شود که او را به مصر می‌برند و به عنوان برده می‌فروشند. [2.D] یک مصری -پوتیفار در کتاب مقدس و العزیز در قرآن- یوسف را می‌خرد. همسر پوتیفار یعنی زلیخا تلاش می‌کند یوسف را اغوا کند اما یوسف مقاومت می‌کند و به زندان انداخته می‌شود. در اینجا به مرکز این حلقه می‌رسیم، [3.D] جایی که یوسف رویاهای دو نفر از هم زندانیان خود و پادشاه را تعبیر می‌کند. پس از این، [2'.D] او از هر عمل خلافی تبرئه و آزاد می‌شود و به ازای امانتداری و علمش، [1'.D] به نگهبانی خزائن منصوب می‌شود. هنگامی که مجموعه وقایع این بخش را با جزئیات بیشتری نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که در واقع تقارن آن دقیق‌تر از آن چیزی است که در نگاه اول متوجه شدیم. [D.1 - D.7] ساختار مرکزی بسیار قوی‌تر به نظر می‌رسد، جایی که مرکز حلقه رویای پادشاه است.

- 1.D. 19-21. یوسف در مصر برده است.
- 2.D. 23-24. یوسف به علت وفاداری به پوتیفار در برابر زلیخا مقاومت می‌کند.
- 3.D. 24-29. زلیخا به او حمله می‌کند.
- 4.D. 30-32. زلیخا یوسف را نشان می‌دهد، زنان دست‌های خود را می‌برند.
- 5.D. 33-35. یوسف زندانی می‌شود.
- 6.D. 36-41. یوسف رویاهای زندانیان را تعبیر می‌کند.
- 7.D. 42. زندانی آزاد شده یوسف را فراموش می‌کند.
- 8.D. 43-44. پادشاه خواب می‌بیند.

شکل ۳

از ابتدای سوره تا اینجا، یوسف با مجازات پی در پی روبه‌رو می‌شود. برادرانش برای کشتن او توطئه می‌کنند، او را به چاه انداختند و او را به مصر بردند و او را از پدر و برادر محبوبش جدا کردند. [1.D] در مصر، او به عنوان برده فروخته شد [2.D] و در برابر اغوای زلیخا مقاومت کرد. [3.D] زلیخا به یوسف حمله می‌کند و با فرار یوسف، توسط

پوتیفار گرفتار می‌شود. دوستان زلیخا او را شماتت می‌کنند [D.4]. و او یوسف را نشان آن‌ها می‌دهد. زنان شهر چنان شیفته زیبایی یوسف می‌شوند که هنگام بریدن میوه ناآگاهانه دست‌های خود را بریدند. [D.5] سپس یوسف زندانی می‌شود [D.6] و از او خواسته می‌شود رویاهای دو نفر از هم زندانیان خود را تعبیر کند. وقتی یکی از آن دو نفر آزاد می‌شود، یوسف از او می‌خواهد تا وی را نزد اربابش یاد کند [D.7] اما زندانی این کار را فراموش کرد.

از اینجای داستان به بعد، سرنوشت یوسف تغییر می‌کند و مصیبت‌ها یکی پس از دیگری خنثی می‌شوند. [D.8] پادشاه به دربار خود گفت شب قبل خوابی دیده که دوست دارد تعبیر شود [D.7'] و هم زندانی سابق یوسف ناگهان او را به خاطر می‌آورد و برای تعبیر خواب پادشاه به دنبالش می‌رود. [D.6'] پس از تعبیر خواب که مورد رضایت پادشاه قرار می‌گیرد، [D.5'] پادشاه می‌خواهد که یوسف را نزد او بیاورند. [D.4'] یوسف، پیام آور را به نزد پادشاه فرستاد و از او خواست از «زنانی که دستهایشان را بریدند»، بخواهد که اعلام کنند او از هرگونه عمل نادرستی بی‌گناه است. [D.3'] این امر بلافاصله با اعتراف زلیخا همراه شد که سعی در اغوای او داشت. بدین ترتیب یوسف را در مقابل پوتیفار تبرئه می‌شود. [D.2'] پادشاه که اکنون شاهد قابل اعتماد بودن یوسف است و تحت تأثیر توانایی او در تعبیر خواب قرار گرفته، یوسف را به نگهبانی خزائن منصوب می‌کند. [D.1']

همانطور که طرح فوق نشان می‌دهد، هر یک از مصیبت‌های یوسف کاملاً منظم و به ترتیب معکوسی که اتفاق افتاده، برطرف می‌شوند و نقطه عطف داستان رویای پادشاه می‌باشد.

D.7'.45. زندانی آزاد شده، یوسف را به خاطر می‌آورد.

D.6'.46-49. یوسف خواب پادشاه را تعبیر می‌کند.

D.5'.50. یوسف آزاد می‌شود.

D.4'.51. زنان، یوسف را بی‌گناه اعلام می‌کنند.

D.3'.51. زلیخا، یوسف را بی‌گناه اعلام می‌کند.

D.2'.52-53. یوسف مقابل پوتیفار تبرئه می‌شود.

D.1'.54-57. یوسف به نگهبانی خزائن منصوب می‌شود.

شکل ۴

تمام سوره را می‌توان بصورت متمرکز به شرح زیر، در بیست و یک قسمت ترسیم کرد:

1-3.A. مقدمه

4-6.B. روای یوسف

C. 7-18. روایت خانوادگی یعقوب؛ یوسف از یعقوب جدا شد.

D. 19-22. یوسف در مصر برده است.

D. 23-24. یوسف به علت وفاداری به بوتیفار در مقابل زلیخا مقاومت می‌کند.

D. 24-29. زلیخا به او حمله می‌کند.

D. 30-32. زلیخا یوسف را نشان می‌دهد؛ زنان دستان خود را می‌برند.

D. 33-35. یوسف زندانی می‌شود.

D. 36-41. یوسف رویاهای زندانیان را تعبیر می‌کند.

D. 42. زندانی آزاد شده، یوسف را فراموش می‌کند.

D. 43-44. پادشاه خواب می‌بیند.

D. 45. 7'. زندانی آزاد شده، یوسف را به خاطر می‌آورد.

D. 46-49. 6'. یوسف خواب پادشاه را تعبیر می‌کند.

D. 50. 5'. یوسف آزاد می‌شود.

D. 51. 4'. زنان یوسف را بی‌گناه اعلام می‌کنند.

D. 51. 3'. زلیخا یوسف را بی‌گناه اعلام می‌کند.

D. 52-53. 2'. یوسف مقابل بوتیفار تبرئه می‌شود.

D. 54-57. 1'. یوسف به خزانه داری مصر منصوب می‌شود.

C. 58-98. یوسف و برادرانش؛ وصال با یعقوب

B'. 99-101. تحقیق روای یوسف

A'. 102-111. نتیجه‌گیری

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
شکل ۵

روش دیگری برای نشان دادن ساختار آینه‌ای و متحدالمرکز سوره در جدول زیر آورده شده (به شکل شماره ۶ مراجعه کنید). از بالا شروع کنید، در ستون سمت راست، نیمه اول روایت سوره را داریم [D.7-A] سپس از پایین شروع کرده و ستون سمت چپ را به سمت بالا بخوانید، روایت را ادامه می‌دهیم و می‌بینیم که اتفاقات با نیمه اول سوره دقیقاً منعکس شده‌اند [D.7'-A]. ستون میانی، تنش‌های نیمه اول سوره و حل آن‌ها در نیمه دوم را نشان می‌دهد. (Anwar Qureshi, 2017, 171)

1-3.A. مقدمه / A'. 102-111. نتیجه گیری		
B'. 99-101. تحقق رویای یوسف	رویا / تحقق رویا	B. 4-6. رویای یوسف
C'. 58-98. یوسف به یعقوب پیوست.	جدایی / تجدید دیدار	C. 7-18. یوسف از یعقوب جدا شد.
D'. 54-57. یوسف خزانه دار مصر شد.	وضعیت پایین / بالا در مصر	D. 19-22. یوسف در مصر به عنوان برده فروخته شد.
D'. 52-53. وفاداری یوسف تأیید شد	وسوسه / تیرنه.	D. 23-24. یوسف به علت وفاداری به پوتیفار در برابر زلیخا مقاومت می کند.
D'. 51. 3'. زلیخا، یوسف را بی گناه اعلام می کند	وسوسه / تیرنه	D. 24-29. یوسف توسط زلیخا وسوسه شده.
D'. 51. 4'. زنان بی گناهی او را اعلام می کنند	وسوسه / تیرنه	D. 30-32. زلیخا، یوسف را نشان می دهد، زنان داستان خود را می برند.
D'. 50. 5'. یوسف از زندان آزاد می شود.	حبس / آزادی	D. 33-35. یوسف زندانی می شود.
D'. 46-49. یوسف رویای پادشاه را تعبیر می کند.	تعبیر رویای زندانیان / پادشاه	D. 36-41. یوسف رویای زندانیان را تعبیر می کند.
D'. 45. 7'. زندانی آزاد شده یوسف را به خاطر می آورد.	فراموش کردن / به خاطر آوردن	D. 42. 7. زندانی آزاد شده یوسف را فراموش می کند.
D. 43-44. 8. رویای پادشاه		

شکل ۶

آنچه در مورد ساختار متحد المرکز سوره یوسف مورد توجه قرار نمی گیرد، خطبه توحیدی است که یوسف در زندان ایراد می کند (آیات ۳۵-۴۲). نگاهی با جزئیات بیشتر به آیات مربوط به زندانی شدن یوسف "یک حلقه درون یک حلقه" را نشان می دهد. آیات (۳۵-۴۲) یک حلقه متحد المرکز تشکیل می دهد که مرکز آن خطبه یوسف برای هم زندانی هایش است.

35. پوتیفار تصمیم می گیرد که یوسف را "برای مدتی" زندانی کند.

36. زندانیان رویاهای خود را بازگو می کنند.

37-40. یوسف خطبه ای ایراد می کند.

41. یوسف خواب آنها را تعبیر می کند.

42. یوسف "چند سال" در زندان می ماند.

شکل ۷

بنابراین روایت داستان یوسف در دو نیمه، با بخش های موازی و محور اصلی داستان در مرکز، شکل گرفته است. در

نیمه اول روایت، یوسف در معرض انواع آزمایش‌ها و مصیبت‌ها قرار می‌گیرد، در حالی که در نیمه دوم، او از مشکلات آزاد می‌شود. همچنین می‌توان یک حلقه درون یک حلقه را مشاهده کرد که در مرکز آن یوسف ایمان توحیدی خود را آشکار می‌کند و هم زندانیان خود را موعظه می‌کند.

تقارن در روایت خانوادگی یعقوب

بخش [C]، جزئیات روایت خانوادگی یعقوب می‌باشد که نیازمند نگاهی دقیق‌تر است زیرا طولانی‌تر از قسمت اصلی داستان یوسف در مصر است [D]. به جای نمایش ساختار متحدالمرکز که تا کنون ترسیم شده، رویدادهای بخش‌های [C] و [C'] با یک استثنا، تقارن (ABCD/A'B'C'D') را نشان می‌دهند. در این دو بخش شش موقعیت وجود دارد که بدین شکل است: ۱. طراحی یک نقشه ۲. برادران از یعقوب درخواست می‌کنند اجازه دهد یکی از برادرانشان، با وجود اعتراض یعقوب، با آن‌ها برود ۳. در نتیجه برادر خود را از دست می‌دهند و یوسف از یعقوب جدا می‌شود. ۴. برادران با گریه به پیش یعقوب می‌روند و اتفاق را توضیح می‌دهند. ۵. مدارک موجود پیراهن یوسف است. ۶. یعقوب در سخنان فرزندانش تردید می‌کند و خود را به صبر وا می‌دارد.

بخش [C] با یازده آیه (آیه ۸-۱۸) شامل شش نکته به ترتیب زیر است: [۱.C] برادران نسبت به یوسف و بنیامین حسادت کرده و برآند که یوسف را از بین ببرند. یوسف «و برادرش» در اینجا خیلی مهم است، زیرا موازی انتهای سوره خواهد بود (یوسف / ۸-۱۰). [۲.C] سپس برادران سعی می‌کنند پدرشان یعقوب را در حسن نیت خود نسبت به یوسف متقاعد کنند و یعقوب می‌پذیرد (آیه ۱۱-۱۴). [۳.C] سپس برادران، یوسف را درون چاه انداختند و او را از پدرش جدا کردند (یوسف / ۱۵).

به یوسف در آن لحظه الهام شد که برادران خود را از عملکردشان آگاه خواهد کرد [۴.C] برادران با گریه نزد یعقوب بازگشتند و ادعا کردند که گرگ یوسف را خورده (آیه ۱۶-۱۷). [۵.C] آن‌ها پیراهن یوسف را به خون آغشته کرده تا مدرکی باشد بر حقیقت ادعای آن‌ها (یوسف / ۱۸) [۳.C] اما یعقوب نمی‌پذیرد و آن‌ها را نکوهش کرده و به بردباری و صبر بسنده می‌کند. (قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ) (یوسف / ۱۸)

در بخش [C'] می‌بینیم که این شش رویداد، به استثنای یک مورد، همگی بازظهور می‌یابند. این بار نگرانی برادران، بنیامین است و نه یوسف و این بار یوسف علیه برادرانش نقشه می‌کشد. نقشه او پیوستن دوباره به بنیامین و یعقوب است. [۱.C'] برادران با کالا و ذخایر «بِضَاعَةً» بدون بنیامین، به مصر رفته و یوسف که اکنون خزانه‌دار است، آن‌ها را می‌شناسد از آن‌ها می‌خواهد که با یکی دیگر از برادرانشان برگردند تا او نیز بتواند سهمی از کالاهایی که یوسف توزیع می‌کند به دست آورد و به برادران هشدار داد که اگر بدون برادرشان بازگردند هیچ چیز به آن‌ها نمی‌دهد. برای فریب بیشتر آن‌ها، یوسف خدمتکاران خود را وادار می‌کند که کالاها را به آن‌ها بدهند تا تصور کنند کالای بیشتری دریافت خواهند کرد. این آغاز نقشه یوسف علیه برادرانش است (یوسف / ۵۸-۶۲). [۲.C'] برادران به پیش یعقوب رفته و از او می‌خواهند بنیامین را با خود به مصر ببرند. از نظر یعقوب، این درخواست همانند درخواست قبلی آن‌ها در مورد یوسف است. آن‌ها با یافتن کالا در بارشان فکر می‌کنند که می‌توانند به مصر بازگردند و سهم بیشتری دریافت کنند. برادران در نقشه یوسف گیر افتادند. یعقوب درخواست پسرانش را با اکراه پذیرفت و از آن‌ها می‌خواهد که سوگند یاد کنند که بنیامین را بازگردانند و دستور داد از دروازه‌های مختلف وارد شهر شوند. (یوسف / ۶۳-۶۸). [۳.C']

عناصر	C. 7-18	C' 58-98
طرح نقشه	7-10. برادران علیه یوسف نقشه می کشند.	58-62. یوسف علیه برادران نقشه می کشد.
التماس به یعقوب	11-14. برادران خواستار بردن یوسف هستند.	63-68. برادران خواستار بردن بنیامین هستند.
از دست دادن یک برادر	15. برادران یوسف را از دست دادند.	69-79. برادران بنیامین را از دست دادند.
بازگشت به پیش یعقوب	16-17. برادران با گریه تصنعی به پیش یعقوب می روند.	80-82. برادران با گریه صادقانه به پیش یعقوب می روند.
پیراهن یوسف	18. برادران یوسف، پیراهن او را با خون دروغین می آورند.	87-98. * برادران پیراهن اصلی یعقوب را می آورند.
تسلیم یعقوب	18. یعقوب تسلیم می شود که صبور باشد.	83-86. * یعقوب تسلیم می شود که صبور باشد.

شکل ۸

یوسف با دیدن بنیامین هویت واقعی خود را برای برادرش آشکار می کند و نقشه‌ی دیگری می کشد تا بنیامین را پیش خود نگه دارد و همچنین یعقوب را به مصر بیاورد. یوسف جام پادشاه «السَّقَايَةَ» را در بار بنیامین گذاشت و در حالی که برادران قصد رفتن داشتند، آن‌ها را به سرقت متهم می کند و می گوید دارنده جام مجازات می شود. برادران سعی می کنند یوسف را متقاعد کنند شخص دیگری را به جای بنیامین نگه دارد اما نتوانستند (یوسف / ۷۹-۶۹). [C' ۴] برادران هم اندیشی کرده و بزرگترین برادر سوگندی که به یعقوب دادند را به آن‌ها یادآوری می کند. او تصمیم می گیرد تا زمانی که یعقوب اجازه ندهد، بر نمی گردد یا اینکه خداوند برای او تصمیم بگیرد و توضیحی در مورد بی گناهی آن‌ها در از دست دادن بنیامین به یعقوب بدهند. اینجا، آیات با سخنان برادر بزرگتر آغاز می شود اما صحنه در اواسط مکالمه با یعقوب تغییر می کند (یوسف / ۸۲-۸۰). [C' ۵] در این مرحله از روایت برای موازی بودن داستان، برادران باید پیراهن یوسف را به عنوان مدرک با خود ببرند. با توجه به داستان، این ممکن نیست. یعقوب این ادعا را قبلاً از پسران خود شنیده و تصمیم می گیرد که صبور باشد و دقیقاً همان کلمات را تکرار می کند: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ». (یوسف / ۸۳ و ۱۸) [C' ۶] یعقوب از پسران خود می خواهد تا از سرنوشت یوسف و برادرش مطمئن شوند. هنگامی که برادران نزد یوسف بازگشتند، او هویت خود را برای آن‌ها آشکار می کند، آن‌ها را برای کارهایشان می بخشد و آن‌ها را به نزد پدرشان می فرستد. یوسف از آن‌ها می خواهد پیراهنش را به صورت پدرشان بیندازند تا بینایی اش برگردد و همه خانواده را به مصر بیاورند. یعقوب بازگشت یوسف را پیش بینی کرده و هنگامی که پیراهن یوسف بر روی صورتش قرار می گیرد، بینایی اش باز می گردد. برادران با پدرشان - که اکنون اعمال نادرست آن‌ها را بخشیده - صلح کردند. (یوسف / ۹۸-۸۷).

همانطور که مشخص است، به استثنای پیراهن یوسف به عنوان مدرک و تسلیم یعقوب، این دو بخش تقریباً کاملاً موازی یکدیگر هستند. این تقارن در جدول ۲ نشان داده شده است.

ارتباطات درون سوره

در حلقه مرکزی [D]، آنچه "یوسف در مصر" نامیده شده، در واقع تکرار یک عبارت است که ابتدا و انتهای حلقه را مشخص می‌کند. آیه ۲۱ شروع حلقه است و از بردن یوسف به مصر و فروشش به عنوان برده می‌گوید: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ». انتهای قسمت مصر - پس از آزادی و انتصاب وی به عنوان نگهبان انبارها - به همین ترتیب پایان می‌یابد. در آیه ۵۶ آمده: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ». حلقه مرکزی در این سوره یعنی مصر، دقیقاً با همان کلمات ثبت شده است و نشانگر آغاز و پایان این حلقه است.

در آیات بعدی نیز، آیات ۲۲ و ۵۷ به ترتیب، در رابطه با پاداش خداوند یک تقارن وجود دارد. آیه ۲۲، از پاداش کسانی که کار خیر می‌کنند می‌گوید، در حالی که آیه ۵۷ پاداش اخروی برای کسانی که ایمان آورده و دارای تقوی هستند تأکید می‌کند. ترجمه کلمه "پاداش" یکسان نیست. اولی با لفظ جزا «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» و دومی با لفظ اجر «وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» است. هر دو همان معنای پاداش را دارند.

در این حلقه مرکزی عبارت دیگری نیز توسط همان شخصیت‌ها اما در شرایط مختلف تکرار شده که نشان دهنده تغییر سرنوشت یوسف در دو نیمه داستان می‌باشد. در آیه ۳۱، زلیخا یوسف را به زنان شهر نشان می‌دهد. او به آن‌ها میوه می‌دهد و به آن‌ها چاقوهایی می‌دهد که بتوانند میوه‌ها را ببرند. وقتی یوسف وارد می‌شود؛ زنان چنان شیفته زیبایی او شده که دست‌هایشان را می‌برند. آن‌ها گفتند: خداوند منزّه است «قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ» و زلیخا را از هرگونه تقصیری پاک دانستند. به همین ترتیب، وقتی یوسف از زندان آزاد شد و پادشاه از زنان جويا می‌شود، دوباره می‌گویند، خداوند منزّه است «قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ» (یوسف / ۵۱) این بار یوسف را از هرگونه تقصیری پاک می‌دانند.

حلقه محاکمه یوسف [C] دارای علامت‌هایی است که نشانگر آغاز و پایان حلقه است، نه در تکرار عبارات بلکه در آغاز و پایان داستان. می‌توان آن را در آیات ۱۵ و ۸۹ یافت - در آیه ۱۵، یوسف در پایین چاه قرار دارد، وقتی به او وحی شد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» این وعده در آیات ۸۹-۹۰ هنگامی که یوسف نگهبان انبار است، محقق شد و به برادران خود می‌گوید: «هَلْ عَلِمْتُمْ مَّا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ» عبارت در این قسمت تکرار نشده است اما موضوع تکمیل می‌شود.

اینجا نیز تکرار دقیق یک عبارت را می‌بینیم. پس از فریب یعقوب برای مرگ یوسف، برادران را سرزنش و توضیحشان را رد می‌کند: «قَالَ بَلْ سَأَلْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ» (یوسف / ۱۸). در ادامه‌ی داستان، وقتی فرزندان بدون یکی از پسرانش از مصر برمی‌گردند، دیگری نیست، این بار بدون بنیامین، دقیقاً همان عبارت را تکرار می‌کند: «قَالَ بَلْ سَأَلْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ» (یوسف / ۸۳).

در طول سوره به توانایی یوسف در تعبیر رویا پی می‌بریم. یعقوب در همان ابتدا او را از این موضوع مطلع می‌کند: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف / ۶). در اولین نقطه پایین زندگی یوسف نیز پس از انداخته شدن در چاه و بیرون کشیدنش توسط یک کاروان و فروشش به عنوان یک برده در سرزمینی بیگانه، در آیه ۲۱ آمده است: «وَلِتُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» در دومین نقطه پائین زندگی یوسف که در معرض کام جویی قرار می‌گیرد، اشتباه او به زندان می‌افتد تا سخنان یعقوب در اعطای این توانایی (تعبیر خواب) به یوسف توسط خداوند را ببینیم. (یوسف / ۴۱) در آخرین سکانس روایت یوسف، وقتی در مورد نعمت‌های خداوند به او تأمل می‌کند، از خداوند درخواست می‌کند و می‌گوید: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف / ۱۰۱) در این سه مورد (یوسف / ۶، ۲۱، ۱۰۱)، عبارت «تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» با فعل «عَلَّمْتَنِي» و تعلیم خداوند همراه است. آیات ۶ و ۱۰۱

مطابق با یکدیگر هستند که در آغاز و پایان روایت یوسف اتفاق می افتد و حلقه را مشخص می کند [B]. آیات ۲۱ و ۴۱ منعکس کننده دو نقطه پایین زندگی یوسف، برده داری و زندان است. در اولی قول دانش به او داده شد و در دومی آن را آشکار کرده و سرنوشتش تغییر می کند (Anwar Qureshi, 2017, 174).

پیراهن یوسف در لحظات مهم زندگی او نقش دارد. در حلقه [C] پیراهن یوسف ابتدا با خون دروغین (آیه ۱۸) به عنوان مدرکی برای برادر گمشده شان، به یعقوب ارائه می شود. این عمل دقیقاً در آیه ۹۳ منعکس شده، جایی که یوسف به برادرانش می گوید: «اَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي». در هر دو مورد، پیراهن او به عنوان مدرک ادعاها مورد استفاده قرار گرفت، در اولی یک ادعای دروغین و در دومی واقعی. پیراهن یوسف در حلقه [D] نیز به عنوان مدرک استفاده شد، هنگامی که پوتیفار، یوسف و زلیخا را در موقعیتی ویژه می بیند (یوسف / ۲۵-۲۸). چون پیراهن از پشتش پاره شده بود، حقیقت ادعای یوسف را به پوتیفار ثابت و خیانت زلیخا را آشکار کرد.

در مقدمه و بخش های پایانی، مجموعه دیگری از تقارن را در تکرار خطاب به محمد(ص) می بینیم. بر این واقعیت تأکید شده که محمد(ص) از این داستان ها اطلاعی نداشته است. بدین صورت که در ابتدا گفته: «وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ» (آیه ۳) و در پایان به آیه «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (یوسف / ۱۰۲) اشاره می کند.

بنابراین ویژگی های کلیدی ترکیب حلقه - یعنی علامت گذاری، شروع و پایان یک حلقه از طریق تکرار یک عبارت یا عبارت خاصی، پیش بینی یک ایده - حداقل در موارد ذکر شده در سوره یوسف مشاهده شد.

در سه مورد، تکرار عبارات دقیقی را می بینیم که شروع و پایان حلقه مرکزی را نشان می دهد [D] (آیات ۲۱، ۵۶)؛ در [D] نیز، تکرار یک عبارت (آیات ۳۱، ۵۱) منعکس کننده موقعیت جدید یوسف؛ و در اطراف حلقه [C]، یعقوب یک عبارت را عیناً برای پسرانش تکرار می کند (آیات ۱۵، ۸۵). تعبیر خواب یوسف (آیات ۶، ۱۰۱) نیز به وضوح در آغاز و پایان حلقه [B] منعکس شده است همان طور که نقش پیراهن او در حلقه [C] منعکس گردیده است. این تکرارها نشانگرهای ادبی هستند که لحظات اصلی روایت را برای شنونده مشخص می کنند.

حلقه های نبوی

با دیدن ترکیب حلقه سوره یوسف و توجه به ساختارهای متحدالمرکز و موازی، اکنون به ویژگی های این حلقه ها برای بحث بزرگتری از سوره اشاره می کنم. هر یک از حلقه های ذکر شده بر یک شخصیت نبوی و نوعی فعالیت نبوی تمرکز دارد. مقدمه و نتیجه گیری [A' / A] برجسته تر از سایر بخش های این سوره است، زیرا در این آیات، مخاطب غالباً شخص دوم بوده و از ضمیر مفرد مذکر استفاده شده است. با توجه به اینکه شخص مخاطب حضرت محمد (ص) است، از آن به عنوان حلقه محمد(ص) یاد می شود. دومین حلقه [B' / B] دو چهره نبوی معرفی می کند، یوسف و یعقوب؛ اما عمل نبوی را به شکل رویای یوسف در قسمت اول و تحقق رویا در پایان نشان می دهد. از این به عنوان حلقه رویا یاد می شود. حلقه سوم، [C' / C]، نیز به یوسف ارتباط دارد که به شخصیت یعقوب و روایت خانواده اش مربوط است. حلقه مرکزی، [D' / D] فقط بر "استقرار یوسف در سرزمین مصر" و جزئیات تجربه اش متمرکز است. حلقه های مختلف این روایت را به هم متصل می کند زیرا لحظه اصلی در استعداد الهی یوسف در تعبیر خواب می باشد.

از منظر جواد انور قریشی، می توان حلقه های سوره یوسف را به صورت زیر شرح داد:

- A. تقارن محمد
 B. تقارن خواب
 C. یعقوب / تقارن روایت خانوادگی
 D. تقارن یوسف
 'C. یعقوب / تقارن روایت خانوادگی
 'B. تقارن خواب
 'A. تقارن محمد

شکل ۹

سوره را می‌توان به صورت زیر متصور شد (به شکل شماره ۱۰ مراجعه کنید). مقیاس بندی این تصویر دشوار است؛ زیرا بخش عمده سوره در دو حلقه مرکزی قرار دارد (Anwar Qureshi, 2017, 177).



شکل ۱۰

۵. بررسی دیدگاه جواد انور قریشی

جواد انور قریشی سوره یوسف را به هفت قسمت تقسیم نموده است که پس از تقسیم بندی جزئی تر قسمت چهارم (D)، سوره را دارای بیست و یک قسمت می‌داند. وی پس از تقسیم بندی به ارتباط متقارن میان هر قسمت می‌پردازد؛ بدین نحو که قسمت اول (A) را با قسمت هفتم (A')، قسمت دوم (B) را با قسمت ششم (B') و قسمت سوم (C) را با قسمت پنجم (C') سوره متناظر دانسته و قسمت چهارم (D) را به پانزده قسمت تقسیم کرده و هفت قسمت ابتدایی این قسمت را با هفت قسمت انتهایی، به صورت معکوس مرتبط ساخته و قسمت هشتم را مرکز کل سوره می‌داند. در مرحله بعد مولف با بررسی لفظی و محتوایی سوره یوسف، سعی می‌کند ارتباط معکوس میان قسمت‌های سوره را اثبات نماید که این مدل ارتباط دهی در نقد ادبی کتاب مقدس هم به کار می‌رود و در ادبیات ما می‌تواند معادل لف و نشر معکوس ارزیابی شود (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ۱۲-۱۴).

۱.۵. مقایسه

هر کدام از مفسران به تقسیم بندی آیات سوره یوسف همت گماشته‌اند که به تقسیم بندی علامه طباطبایی، فضل الله، سید قطب و ثعلبی اشاره می‌کنیم.

علامه طباطبایی سوره یوسف را به یازده بخش، تقسیم نموده است: بخش ۱: آیات ۳-۱؛ بخش ۲: آیات ۴-۶؛ بخش ۳: آیات ۷-۲۱؛ بخش ۴: آیات ۲۲-۳۴؛ بخش ۵: آیات ۳۵-۴۲؛ بخش ۶: آیات ۴۳-۵۷؛ بخش ۷: آیات ۵۸-۶۲؛ بخش ۸: آیات ۶۳-۸۲؛ بخش ۹: آیات ۸۳-۹۲؛ بخش ۱۰: آیات ۹۳-۱۰۲ و بخش ۱۱: آیات ۱۰۳-۱۱۱. (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۱۱: ۷۴).

بخش‌های ۱ و ۲ (آیات ۱-۶) در تقسیم بندی صاحب تفسیر «المیزان»، عینا شبیه بخش‌های ۱ و ۲ (A و B) در مقاله حاضر است. مجموع بخش‌های ۳، ۴ و ۵ (آیات ۷-۴۲) عینا مشابه با بخش‌های C و D تا D7 می‌باشد. همچنین بخش ۶ (آیات ۴۳-۵۷) عینا مشابه با بخش‌های D8 تا D1' می‌باشد. بخش‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰ (آیات ۵۸-۱۰۲) با چهار آیه اختلاف- تقریبا با بخش C' برابر است. بخش ۱۱ (آیات ۱۰۳-۱۱۱) با چهار آیه اختلاف- تقریبا با بخش‌های A' و B' برابر است.

فضل الله سوره یوسف را به بیست و سه بخش، تقسیم نموده است: بخش ۱: آیات ۳-۱؛ بخش ۲: آیات ۴-۶؛ بخش ۳: آیات ۷-۱۰؛ بخش ۴: آیات ۱۱-۱۸؛ بخش ۵: آیات ۱۹-۲۱؛ بخش ۶: آیات ۲۲-۲۹؛ بخش ۷: آیات ۳۰-۳۳؛ بخش ۸: آیات ۳۴-۳۵؛ بخش ۹: آیات ۳۶-۴۰؛ بخش ۱۰: آیات ۴۱-۴۲؛ بخش ۱۱: آیات ۴۳-۴۹؛ بخش ۱۲: آیات ۵۰-۵۳؛ بخش ۱۳: آیات ۵۴-۵۷؛ بخش ۱۴: آیات ۵۸-۶۲؛ بخش ۱۵: آیات ۶۳-۶۸؛ بخش ۱۶: آیات ۶۹-۷۶؛ بخش ۱۷: آیات ۷۷-۸۰؛ بخش ۱۸: آیات ۸۱-۸۷؛ بخش ۱۹: آیات ۸۸-۹۳؛ بخش ۲۰: آیات ۹۴-۹۸؛ بخش ۲۱: آیات ۹۹-۱۰۲؛ بخش ۲۲: آیات ۱۰۳-۱۰۷؛ و بخش ۲۳: آیات ۱۰۸-۱۱۱ (فضل الله، ۱۴۱۹، ۱۲: ۱۶۹).

بخش‌های ۱ و ۲ (آیات ۱-۶) در تقسیم بندی صاحب تفسیر «من وحی القرآن»، عینا شبیه بخش‌های ۱ و ۲ (A و B) در مقاله حاضر است. مجموع بخش‌های ۳ و ۴ (آیات ۷-۱۸) با بخش C برابر است. همچنین مجموع بخش‌های ۵ و ۶ (آیات ۱۹-۲۹) با بخش‌های D.۱ و D.۲ و D.۳ برابر است. مجموع بخش‌های ۷ و ۸ (آیات ۳۰-۳۵) با بخش‌های D.۴ و D.۵ برابر هستند. مجموع بخش‌های ۱۱ و ۱۲ (آیات ۴۳-۵۳) با بخش‌های D.۸ تا D.۲ برابر هستند. همچنین بخش ۱۳ (آیات ۵۴-۵۷) با بخش D.۱ کاملا مشابه هستند مجموع بخش‌های ۱۴ تا ۲۰ (آیات ۵۸-۹۸) با بخش C' برابر است و همچنین مجموع بخش‌های ۲۱ تا ۲۳ (آیات ۹۹-۱۱۱) با بخش‌های B' و A' برابر است.

سید قطب سوره یوسف را به شش بخش، تقسیم نموده است: بخش ۱: آیات ۱-۲۰؛ بخش ۲: آیات ۲۱-۳۴؛ بخش ۳: آیات ۳۵-۵۲؛ بخش ۴: آیات ۵۳-۷۹؛ بخش ۵: آیات ۸۰-۱۰۱؛ بخش ۶ و آیات ۱۰۲-۱۱۱. (سید قطب، ۱۴۲۵، ۴: ۱۹۷۳) بخش ۱ (آیات ۱-۲۰) در تقسیم بندی صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن»، با مجموع بخش‌های A، B و C با اختلاف دو آیه تقریبا برابر است. بخش‌های ۴ و ۵ (آیات ۵۳-۱۰۱) با مجموع بخش‌های D.۱، C' و B' با اختلاف یک آیه تقریبا برابر است. بخش ۶ (آیات ۱۰۲-۱۱۱) عینا شبیه بخش انتهایی (A) در مقاله حاضر است.

ثعلبی سوره یوسف را به سیزده بخش، تقسیم نموده است: بخش ۱: آیات ۱-۶؛ بخش ۲: آیات ۷-۱۸؛ بخش ۳: آیات ۱۹-۲۲؛ بخش ۴: آیات ۲۳-۲۷؛ بخش ۵: آیات ۲۸-۲۹؛ بخش ۶: آیات ۳۰-۳۵؛ بخش ۷: آیات ۳۶-۴۹؛ بخش

۸: آیات ۵۷-۵۰؛ بخش ۹: آیات ۷۱-۵۸؛ بخش ۱۰: آیات ۸۳-۷۲؛ بخش ۱۱: آیات ۹۳-۸۴؛ بخش ۱۲: آیات ۱۰۱-۹۴ و بخش ۱۳: آیات ۱۱۱-۱۰۲. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ۵: ۱۹۹) بخش اول (آیات ۶-۱) در تقسیم بندی صاحب تفسیر «الکشف و البیان»، عینا شبیه بخش‌های ۱ و ۲ (A و B) در مقاله حاضر است. بخش‌های ۲ و ۳ (آیات ۲۲-۷) با بخش‌های C، B، و D.۱ کاملاً یکسان می‌باشد. بخش ۶ (آیات ۳۵-۳۰) با بخش D.۴ و D.5 برابر است. بخش‌های ۷ و ۸ (آیات ۵۷-۳۶) با بخش‌های D.6 تا D.1' کاملاً برابر است. بخش‌های ۹ تا ۱۲ (آیات ۱۰۱-۵۸) کاملاً با بخش C' مطابقت دارد. همچنین بخش ۱۳ (آیات ۱۱۱-۱۰۲) با بخش A' کاملاً برابر است

با آنکه تشابهاتی میان تقسیم بندی‌ها وجود دارد اما مبنا و روش جواد انور قریشی در بخش بندی سوره یوسف، اثبات انسجام ساختاری این سوره است در حالی که علامه طباطبایی، فضل الله، سید قطب و ثعلبی با رویکردی موضوعی، سوره را تقسیم بندی نموده و به دنبال اثبات وحدت مضمونی سوره یوسف می‌باشند. نقطه مشترک میان این دو رویکرد، اثبات پیوستگی و نظم سوره یوسف است.

در جدول ذیل آن بخش از تقسیم بندی مفسران که با بخش بندی جواد انور قریشی عیناً یکسان بوده را با رنگ سبز و آن بخش از تقسیم بندی مفسران که مطابق با چند بخش از تقسیم بندی جواد انور قریشی می‌باشد و یا بالعکس را با رنگ آبی مشخص کرده‌ایم. جدول گویای این مطلب است که به ترتیب تقسیم بندی فضل الله، ثعلبی، علامه طباطبایی و سید قطب به بخش بندی جواد انور قریشی نزدیک تر است.

جدول ۱

ثعلبی	سید قطب	فضل الله	علامه طباطبایی	جواد انور قریشی	
۶-۱	۲۰-۱	۳-۱	۳-۱	۳-۱	A
۱۸-۷	۳۴-۲۱	۶-۴	۶-۴	۶-۴	B
۲۲-۱۹	۵۲-۳۵	۱۰-۷	۲۱-۷	۱۸-۷	C
۲۷-۲۳	۷۹-۵۳	۱۸-۱۱	۳۴-۲۲	۲۲-۱۹	1.D
۲۹-۲۸	۱۰۱-۸۰	۲۱-۱۹	۴۲-۳۵	۲۴-۲۳	2.D
۳۵-۳۰	۱۱۱-۱۰۲	۲۹-۲۲	۵۷-۴۳	۲۹-۲۴	3.D
۴۹-۳۶		۳۳-۳۰	۶۲-۵۸	۳۲-۳۰	4.D
۵۷-۵۰		۳۵-۳۴	۸۲-۶۳	۳۵-۳۳	5.D
۷۱-۵۸		۴۰-۳۶	۹۲-۸۳	۴۱-۳۶	6.D
۸۳-۷۲		۴۲-۴۱	۱۰۲-۹۳	۴۲	7.D
۹۳-۸۴		۴۹-۴۳	۱۱۱-۱۰۳	۴۴-۴۳	8.D
۱۰۱-۹۴		۵۳-۵۰		۴۵	7'.D
۱۱۱-۱۰۲		۵۷-۵۴		۴۹-۴۶	6'.D
		۶۲-۵۸		50	5'.D
		۶۸-۶۳		51	4'.D
		۷۶-۶۹		51	3'.D
		۸۰-۷۷		52-53	2'.D
		۸۷-۸۱		54-57	1'.D
		۹۳-۸۸		58-98	C'
		۹۸-۹۴		99-101	B'

		۱۰۲-۹۹		102-111	A'
		۱۰۷-۱۰۳			
		۱۱۱-۱۰۸			

۲.۵. نقد

با وجود آن که افرادی همچون نیل رابینسون، مستنصر میر، ریموند فرین، میشل کوپرس و... تلاش‌های گسترده‌ای در اثبات انسجام ساختاری سوره یوسف انجام دادند و هر کدام نظم معکوس سوره را مطرح کرده بودند اما مدلی که جواد انور قریشی مطرح می‌سازند بسیار پیچیده تر از مدل‌های قبلی است. متفکران معاصر مذکور، عمدتاً سوره را به ۹ بخش تقسیم کرده‌اند اما جواد انور قریشی با تقسیم بندی سوره به ۲۱ بخش، به جزئیات بیشتری از نظم سوره اشاره می‌کند و دیدگاه‌های گذشته را وسیع تر و کامل تر کرده که خود یکی از زیبایی‌های مدل ایشان است. از جمله ویژگی‌های پژوهش جواد انور قریشی که مزیتی نسبت به پژوهش‌های سابق است؛ ارتباط محتوای سوره با شرایط زندگی پیامبر اکرم (ص) است. وی با قرار دادن مضمون سوره در تاریخ نزول، به ارتباط شرایط زندگی حضرت یوسف با حضرت محمد(ص) پرداخته و نتیجه می‌گیرد که همانطور که حضرت یوسف از کنعان به مصر منتقل شد؛ این سوره نیز به صورت ضمنی به هجرت پیامبر (ص) از مکه به یثرب اشاره دارد که خود از زیبایی‌های پژوهش ایشان می‌باشد (Anwar Qureshi, 2017, 157).

اما در نقد پژوهش جواد انور قریشی باید یادآور شویم:

۱. نویسنده به مبنای تقسیم بندی آیات اشاره نمی‌کند که بهتر بود پیش از تقسیم بندی آیات ابتدا به مبنای تقسیم بندی آیات اشاره می‌نمود تا در معرض اتهام برخی از منتقدان نظم متقارن همچون نیکولای سینای در ضعیف بودن، خود اختیاری بودن و غیر عقلانی بودن تقسیم بندی آیات، قرار نمی‌گرفت.

۲. مولف در تقسیم بندی قسمت D.1، سخن واحدی نمی‌گوید. در اولین و دومین تقسیم بندی، آن را از آیات ۲۱-۱۹ می‌داند ولی در سومین و چهارمین تقسیم بندی آن را از آیات ۲۲-۱۹ می‌داند که تقسیم بندی‌های متفاوت نشانگر ضعف مقاله است.

۳. مولف در تقسیم بندی قسمت D.2 نیز سخن واحدی نمی‌گوید. وی در اولین تقسیم بندی، آن را از آیه ۲۲ محسوب می‌کند اما در دومین، سومین و چهارمین تقسیم بندی آن را از آیات ۲۳-۲۴ می‌داند که این موارد، پریشانگی در تقسیم بندی را نمایان می‌سازد.

۴. از دیدگاه مولف، در آیه ۹ فاعل و متکلم جمله «اقْتُلُوا يُوسُفَ» مشخص نیست -برخلاف آیه ۱۰ که متکلم مشخص است «قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ»- پس متکلم جمله «اقْتُلُوا يُوسُفَ» شیطان است. برخی از صاحب نظران تفسیر همچون علامه طباطبایی برآنند که متکلم جمله «اقْتُلُوا يُوسُفَ» برادران یوسف می‌باشند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «این قسمت تتمه گفتار برادران یوسف است، و از مشورت دوم مذاکرات ایشان درباره یوسف حکایت می‌کند. شور اول در باره رفتار یعقوب بود که سرانجام او را محکوم به ضلالت کردند و در این شور گفتگو داشته‌اند در اینکه چه کنند و چه نقشه‌ای بریزند که خود را از این ناراحتی نجات دهند، همچنان که آیه «وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ»

به آن اشاره دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۱۱: ۱۲۷).

۵. سوره یوسف از منسجم‌ترین سوره‌های قرآن کریم می‌باشد و استناد به سوره‌ای منسجم برای اثبات انسجام سایر سوره‌ها و یا اثبات انسجام کلی قرآن با توجه به «نظریه نظم متقارن» بی‌معنا است زیرا کسانی که نظم قرآن را دچار خدشه کرده‌اند درباره سوره یوسف مناقشه ننموده‌اند لذا بهتر بود جواد انور قریشی به سوره طولانی دارای موضوعات متعدد، استناد می‌کردند و از آن رهگذر بر پی‌اثبات انسجام قرآن در قالب نظریه نظم متقارن برمی‌آمد.

۶. نتیجه‌گیری

در آیات قرآن کریم یکی از زیبایی‌های الفاظ قرآن به عنوان کتابی که به «لِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» نازل شده، رعایت بلاغت و نظم می‌باشد. اگر خوانش متن قرآن در یک خوانش سطحی و خطی باشد ممکن است تا حدودی گسسته به نظر بیاید اما اگر این خوانش عمیق باشد؛ خواهیم دید که انسجام قرآن حاصل ساختاری سخت پیچیده است که نظم متقارن عهده دار تبیین این نظم و این رعایت بلاغت می‌باشد. در پژوهش حاضر با تبیین ساختار سوره یوسف از دیدگاه جواد انور قریشی، سعی شد ارزش مرکز ساختار و طرفین آن نشان داده شود. دانستیم که جواد انور قریشی سوره یوسف را به بیست و یک بخش تقسیم می‌کند که ده بخش ابتدایی با ده بخش انتهایی به گونه‌ای معکوس مرتبط می‌باشند. در مرحله بعد تقسیم بندی انور قریشی با تقسیم بندی علامه طباطبایی، سید قطب، فضل الله و ثعلبی مقایسه شد و مشخص گردید که بیشترین تشابه میان تقسیم بندی فضل الله و انور قریشی است. آنچه که جواد انور قریشی در مقام تبیین آن برآمد؛ اثبات یک ساختار منسجم در قالب نظریه نظم متقارن می‌باشد که این ساختار هرچند نزد مفسران و پژوهشگران علوم قرآنی نامانوس است اما روشمند می‌باشد و از رهگذر آن انسجام ساختاری سوره یوسف در قالب نظریه نظم متقارن اثبات گردید.

۷. منابع

- قرآن کریم

۱. احمدیاری، محمدحسین؛ ولوی، سیمین؛ باقر، علیرضا (۱۴۰۰)، «بلاغت سامی و قواعد نظم متقارن و نقد و بررسی آن در سوره صف»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۹، شماره ۴، ۲۶-۶۳.
۲. آنیلا، یاکو همین (۱۳۹۸)، «کسروی و ترجمه‌های عربی خدای نامه»، کارنامه تاریخ، سال ۶، شماره ۱۲، ۷۸-۴۴.
۳. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴. خامه گر، محمد، (۱۳۸۱)، «درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۹ و ۳۰، ۲۲-۴۲.
۵. خوش منش، ابوالفضل، (۱۳۸۹)، «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق شناسان و آیه الله طالقانی»، پژوهشنامه علوم و معارف، شماره ۸، ۲۶-۳۹.
۶. رایبسون، نیل (۱۳۹۱)، «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۸، شماره ۶۹، ۱۵۶-۱۹۰.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
۸. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
۹. قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.

۱۰. مکوند، محمود؛ شاکر، محمد کاظم (۱۳۹۴)، «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن (با تاکید بر دیدگاه میشل کوپیرس)»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۰، شماره ۷۶، ص ۴-۳۳.
۱۱. میر، مستنصر (۱۳۸۸)، «فنون و صنایع ادبی در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۵، شماره ۵۹، ۱۷۹-۱۵۴.
۱۲. مینت. ر، پوزیه. ل، فاروقی. ن، سنو، ا. (۲۰۰۴م). *طريقة التحليل البلاغی و التفسیر: تحليلات نصوص من الكتاب المقدس و من الحديث النبوی الشریف. بیروت، دار المشرق.*
13. Anttila, Jaakko Hämeen (1991). "We Will Tell You the Best of Stories". *StOr* 67: 7-32.
14. Anwar Qureshi; Jawad (2017). "Ring Composition in Surat Yusuf (Q. 12)". *JIQSA* 2: 149-۱۷۱
15. Cuypers; Michel (1995). "Structures rhétoriques dans le Coran: Une analyse structurelle de la sourate 'Joseph' et de quelques sourates brèves". *MIDEO*, 8 (22), 107-195.
16. ----- (2015). *The Composition of the Qur'an*. London: Bloomsbury.
17. ----- (2011). "Semitic Rhetoric as a Key to the Question of the nazm of the Qur'anic Text". *Journal of Qur'anic Studies*, vol 13, p.1-24.
18. ----- (2009). *The Banquet: A Reading of the Fifth Sura of the Qur'an*. Miami: Convivium.
19. Farrin; Raymond (2014). *Structure and Quranic Interpretation: A Study of Symmetry and Coherence in Islam's Holy Text*. Ashland, OR: White Cloud Press.
20. Mir, Mustansir (2000). "Irony in the Qur'ān: A Study of the Story of Joseph". *Literary Structures of Religious Meaning in the Qur'ān*, 173-187.
21. ----- (1986). "The Qur'ānic Study of Joseph: Plot, Themes, and Characters" *JIQSA*. 76, 1-15.
22. Neuwirth, Angelika (1980). "Zur Struktur der Yūsuf-Sure. Studien aus Arabistik und Semitistik", *MIDEO*; 125-152.
23. Robinson, Neal (2003). *Discovering the Qur'an: A Contemporary Approach to a Veiled Text*. Washington, DC: Georgetown University Press.
24. Sinai, Nicolai (2017). "Review Essay: Going Round in Circles". *JQS* 19:108; 106-122.